

فرخنده باد بیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان



و تمام اعضاء حزب ما بمناسبت بیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان صمیمانه تبریک تبریکات خود را به شما، به تمام اعضای حزب سوسیالیست متحد آلمان و تمام زحمتمکشانش جمهوری دموکراتیک آلمان تقدیم مینماید.

تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان در اکتبر ۱۹۴۹ نقطه چرخشی در تاریخ اروپا بود. توده های زحمتکش به رهبری طبقه کارگر و حزب مارکسیست - لنینیست آن بر فراز ویرانه های سیطره فاشیستی، کشوری ترقیخواه و دموکراتیک بنیاد نهادند که راه ساختمان سوسیالیسم را برگزیده و در این راه به پیشرفتهای شایان رسیده است. طبقه کارگر و پیشاهنگ انقلابی آن در یک یکبار طبقهائی طولانی و دشوار که در شرایطی بس نامساعد انجام گرفت، توفیق یافتند توسطه های سرمایه انحصاری و ارتجاع مساط بر جمهوری فدرال آلمان را یکی پس از دیگری درهم شکنند و ساختمان جامعه سوسیالیستی را در جمهوری دموکراتیک آلمان ادامه دهند.

تاریخ بیست و پنج ساله جمهوری دموکراتیک آلمان، تاریخ بیست و پنج سال یکبار طبقهائی آشتی ناپذیر علیه باز مانده های فاشیسم، علیه امپریالیسم و ارتجاع، در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم است. زحمتکشانش جمهوری دموکراتیک آلمان با اجرای برنامه جامع مضوب کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان در کلیه عرصه های ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته، بلکهاییهای بزرگ نائل آمده اند. این کلیبیها گواه صادقی است بر این واقعیت که چگونه طبقه کارگر، در اتحاد با سایر قشر های زحمتکشانش، تحت رهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان - پیشاهنگ آزوده مارکسیست - لنینیستی خود - میتواند امواج سختترین آزمون ها را، بیروز ماندن از سر بگذراند.

دنباله در صفحه ۲

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز! کمیته مرکزی حزب توده ایران از جناب خود

واقعیات، دعاوی شاه و تبلیغات رژیم

مداد و کاغذ و کتاب نسبت به همین چند سال پیش جو برابر و سه برابر گرانتر شده است. برای اجاره یک اتاق ۳۰۰ تومان مطالبه میشود. اجاره بهای یک آپارتمان مدرن ۲ تا سه ماهه ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان است. بهای یک دان سنگک ۶۵ تا ۷۰ ریال، گوشت اگر پیدا شود کیلویی ۲۸۰ ریال، شکر کیلویی ۳۲ ریال، قند کیلویی ۳۷ ریال و برنج کیلویی ۷۵ تا ۹۰ ریال است. و بنا بنوشته روزنامه کهان برای یک دفتر چه ۲۰ برگی ۶ ریال و برای یک دکمه معمولی باید ۳۰ ریال پول پرداخت! روشن است که در این گرانی سرسام آور، حتی خانوادهای که ۲۰۰۰ تومان درآمد دارد، باز در مضیقه و تنگناست. تا چه رسد به خانواده های که با درآمد ماهیانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان باید زندگی کنند و البته نه زندگی، بلکه از برکت انقلاب شاهانه بتدریج نابود شوند. و اما در برابر گذران تنگ و فقیرانه ۸۸ درصد خانوارهای تهرانی، تنها یک درصد با درآمد سالانه ای بیش از ۵۰۰ هزار ریال (ماهانه بیش از ۴ هزار تومان) زندگی میکنند. شک نیست که در میان این یک درصد، سیمای غارتگر هزار فامیل آگاهانه پنهان شده است. زیرا آنها سالانه نه ۵۰۰ هزار ریال، بلکه میلیونها ریال از ثروت کشور و دستبرنج مردم زحمتکش را بتاراج میبرند. و درآمد های کلان آنهاست که سطح در آمد متوسط را در تهران به ۱۰۷۵ دلار رسانده است. اگر تهیه چند سیر گوشت برای دهها هزار خانوار در همین تهران ناممکن است، در عوض آنها انگور نوبرانه کیلویی صد تومان میخورند، و بنا بنوشته، ذنیای جدید، زندگیشان با زندگی بزرگترین ثروتمندان دنیا برابری میکند. هیچ چیز برای آنها گران نیست و غذایشان را با هواپیما از خارج می آورند. اینها همان کسانی هستند که در برف و یخبندان زمستان، مسیر عروس و ناماد خود را با هلیکوپتر دلبران میکنند و از میهمانان خود در کشتی های مجال و لوکس بر روی اقیانوسها پذیرا میشوند. اینها همه در کشوری میگذرد که دیکتاتورش مدعی است امتیازات طبقاتی را از میان برداشته و عدالت اجتماعی را بر روابط جامعه حاکم ساخته است. اما گزارش در رد این مدعا چنین میگوید: « شهر تهران متأسفانه همه و روغرت گرفته تا مسواک و خمیر دندان و نرغ و

اخیراً گروه بررسی مسائل ایران در پرتو انقلاب شاه و ملت، مرکب از ۲۳۸ دانشگامی، ۳۶ نفر از بخش خصوصی، ۱۲۰ نفر از بخش دولتی و دستگاههای قضائی، ۶۲ تن نماینده مجلس شورا و دو تن نماینده سنا گزارشی در باره مشکلات شهر تهران انتشار داده است. این گزارش که در روزنامه های « اطلاعات » و « کیهان » انتشار یافته و روزنامه « اطلاعات » آنرا « محققانه و مستند » ارزیابی کرده محصول بررسی گروهی است که بنوشته روزنامه کهان دو سوم آنرا هیئت های علمی دانشگاهها و مدارس عالی تشکیل میدهند و مورد تأیید و ارزیابی هیئت محافل منتخب رژیم نیز هست. ولی با تمام این احوال چه میتوان کرد که دعاوی شاهنشاه و تبلیغات پر طمع طراوق رژیم را تکذیب میکنند.

شاه کراراً مدعی شده است که « انقلاب سفید » او زندگی مردم را دگرگون کرده، استمرار را از میان برداشته و رفاه و عدالت اجتماعی بارغان آورده است. اما گزارش گروه بعین نشان میدهد که حتی در همین شهر تهران، پایتخت کشور که ویریزین بر زرق و برق رژیم است، گذران مردم تا چه حد دشوار و اسف بار است. بهوجب این گزارش درآمد خانواددهای تهرانی شرح زیر است: ۴۴ درصد مردم درآمد سالانه ای از ۷۰ تا ۸۰ هزار ریال دارند (ماهانه ۵۸۰ تا ۶۶۰ تومان) و ۴۴ درصد دیگر از ۸۰ هزار ریال تا ۲۴۰ هزار ریال (ماهانه ۶۶۰ تومان تا ۲۰۰۰ تومان)، شک نیست که درآمدهای کمتر از ۵۸۰ تومان در همین پایتخت فراوان است. چه بسیاری کارگرانی که دستمزد روزانه آنان از ۱۰ تا ۱۲ تومان تجاوز نمیکند. همین اسفند ماه گذشته بود که وزارت کار دستمزد روزانه پیشخدمت، کباب پز، حسابگر، و کارگر ظرفشویی را در چلو کبابیها ۱۲۰ ریال تعیین نمود. یعنی درآمد ماهانه ای معادل ۳۶۰ تومان که براتر از حداقل اعلام شده از سوی گروه بررسی، کمتر است. با این وجود اگر حد اقل در آمد را در شهر تهران همان میزان اعلام شده گروه فرض کنیم، باز ۸۸ درصد خانوار های تهرانی در آمد ماهانه ای معادل ۵۸۰ تا ۲۰۰۰ تومان دارند، و این در آمد در شهری است که همه چیز از نان و برنج و گوشت و روغرت گرفته تا مسواک و خمیر دندان و نرغ و

شعری رسیده از ایران

جائی که « یک » با « یک »

مساوی نیست

معلم پای تخته داد میزد

چهره اش از خشم گلگون بود و

دستانش زبیر پوششی از گرد گچ پنهان

ولی « آخر کلاسیها » لواشک بین هم تقسیم میکردند.

یکی دیگر در این گوشه « جوانان » را ورق میزد؛

دلیم میسوخت

بحال او

که بیخود های و هو میکرد

با خطی خوانا، بروی تخته

(که ظلمت چو قلب ظالمان، یا چهره زندانیان

تاریک و غمگین بود)

تساوی را نوشت و بانگ زد:

« اینجاست، یک » با « یک » برابر

از میان جمع شاگردان یکی بر خاست

(همیشه یکتفر باید بیا خیزد)

پارامی سخت بیگفت:

« آخر این تساوی اشتباهی فاحش و محض است.

نگاه بچه ها نا که بیکسو خیره شد با بهت.

معلم مات بر جا ماند.

شاگرد « فضول » آن لحظه می پرسید:

« اگر این واحد، یک، فرد انسان

آیا باز هم

سکوت مدهشی بود و

سؤالی سخت

معلم، خشمگین، فریاد زد: « آری،

و او

با یوز خندی گفت:

« اگر این واحد، یک، فرد انسان بود

آنکو زور وز میداشت، بالا بود، افزون بود

و آنکس را که دامن یک و دست از زر تهی

جائی به پائین بود، کمتر بود.

اگر این واحد، یک، فرد انسان بود

آنکو پوستش روشن و پامویش طلائی بود بالا بود

و آنکس را که رنگین پوست بود البته پائین بود.

اگر یک فرد انسان واحد یک بود

آنکه این تساوی زیر و رو میشد.

اگر یک بود با یک ها برابر

ثروت این مفتخواران از کجا می خاست؟

یا چه کس این کاخ عالی را بنا میکرد؟

یا چه کس دیوار چین میساخت؟

اگر یک بود با یک ها برابر

کی کسی در زیر بار فقر خم میشد؟

کی کسی با ضرب و چوب تازیانه خورد می گردید؟

چه کس آزادگان را در قفس میکرد؟

معلم، ناله آسا، گفت:

« بچه ها در جزوه بنویسید

که یک با یک برابر نیست! »

غرفه مردم

در جشن اومانیته

(۷ - ۸ سپتامبر ۱۹۷۴)

در همسایگی غرفه های شیلی و اسپانیا، غرفه روزنامه مردم، برپاست. باندگرو اعلام میکند: بیش از ۲۰۰ نفر مبارز سیاسی طی دو سال اخیر تیر باران شده اند، در حدود ۴۰ هزار نفر سیاسی در زندانهای شاه اسیرند. ما از شرکت کنندگان در جشن میطلبیم که علیه خفقان مرگ آور رژیم استبدادی شاه اعتراض کنند و بیاری زندانیان سیاسی ایران پشتیبانند.

زن و مرد و کودک و جوان بسوی غرفه مردم میآمدند و با علاقه فراوان ذیل نامه اعتراضیه را امضاء میکردند. از شش نشریه حزب ما بزبان فرانسه بهمیزان زیادی استقبال شد. و بویژه نشریه های تحت عنوان « با وجود ترور خونین! خائفتی ما می رزمند، و ایران زندانم خلیج فارس » بیش از همه مورد توجه قرار گرفت. اغلب بازدید کنندگان، در باره وضع کنونی ایران، چگونگی کار سازماندهی برای مبارزه علیه رژیم ترور و سواق حزب توده ایران سؤالاتی میکردند. طرحها و عکسهای غرفه حالت گیرائی داشت که هر بازدیدکننده را به اندیشه وامیداشت. قسمتی از دیوار به تصاویر رفقای شهید ما اختصاص داده شده بود. عکس انوشه در حال تیرباران شدن در وسط، دنباله در صفحه ۲

نامه رفیق آلوارو کونیال

دیر کل حزب کمونیست پرتغال

به رفیق ایرج اسکندری دیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروتزی تقویت شده و گسترش خواهد یافت. شرایط بفرنج موجب شد که این نامه با تأخیر فرستاده شود. با معذرت خواهی از آن بهترین درود های کمونیستی را بشما ابلاغ مینمایم.

هفتم ثوت ۱۹۷۴

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال

آلوارو کونیال

رفیق گرامی، نیامی را که بمناسبت رهائی خلیق پرتغال از قید استبداد فاشیستی ارسال داشتم، بودید دریافت داشتیم و از صمیم قلب سپاسگزاریم. علی رغم دشواریهای گوناگونی که در برابر ماست وضع جدید موجود در پرتغال شرایط مساعدی برای بسط مناسبات بین نیرو های مترقی پرتغال و ایران ایجاد می کند. ما مطمئنیم که در این شرایط پیوند های بین حزب توده ایران و حزب کمونیست پرتغال برپایه

ارتجاع بر دسایس و تاخت و تاز خود میافزاید

بناست پشرفت و نیرو گرفتن مبارزه خلق ها بخاطر صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم ، دسایس و تاخت و تاز امپریالیسم و ارتجاع علیه مبارزان راستین و پیگیر خلق بیشتر شدت میگیرد. از آغاز تهرن صلح کشورهای سوسیالیستی و از آن زمان که تغییر تناسب نیرو ها در عرصه جهانی بارزتر شده و ضعف امپریالیسم و رژیمهای ضد ملی و ضد دموکراتیک آفریده اش بیش از پیش از پرده بدر افتاده ، نیرو های ارتجاعی با سراسیمگی و خشم عظیمی دست به واکنش وسیع در عرصه های جهانی زده اند .

آفتی که ونیسم ، دشمنی عنان گسته با اتحاد شوروی ، یورش دیوانه وار با حربه مغالطه و دشنام علیه احزاب کمونیستی و دموکراتیک ، محتوی اساسی سیاست بورژوازی جهانی است . ارتجاع ایران که بنوبه خود ، بوی خیری از اوضاع ، نمی شود ، با ترس و اضطراب در تولا است . که شاید مواضع ارزان خود را در پی می تر کند و بر نیرو های مخالف خویش ضربات کوبنده تازهای وارد سازد . سازمان سواک بدینابل این منظور چنگ افکنده و از میان صفوف مبارزان ، عناصر ضعیف ، مردد ، بی ایمان ، حسابگر ، سطحی و کوتاه بین را در میزباید تا از زبان و قلم آنها بسود دستگاه جنایت بار خود ، گواهی ، و دلیل ، بگیرد و با پرداخت مزد و پاداش خیانت باینان ، و تحویل گاووله و لذت به مجاهدان پایدار و پیگیر ، عمر تباه یک نظام از لحاظ تاریخی محکوم را طولانی تر سازد .

مبارزه با امپریالیسم و بر رأس آن امپریالیسم امریکا ، مبارزه با ارتجاع ایران و بر رأس آن شاه مستبد ، البته کار ساده ای نیست . سرنگون کردن بساط قدرت این دیوان خون آشام که کوه سلاح و گنج زر و سیم و نخیل چاکران حلقه بگوش و چماق بر دوش در اختیار دارند وظیفه ایست . هم بر ارتجاع و تابناک و هم دشوار و خطرناک . چه بسا جانشها که در این راه بر باد رفته و چه بسا جوانیها که در پیچ و خم این نبرد فرساییده و در سایه زندانها به پیروی رسید و چه بسا عمر ها که میتوانست در آسودگی و آرامش بسر رود ولی سرشار از دغدغه و رنج ، در بندری ها و پستیها و جستجو های پر تب و تاب گذشت . کسانی که بخاطر عشق به عدالت و حقیقت حاضرند بر سر امتیازات گوناگون بگذرند و مصائب این راه پر خطر را که نبرد انقلابی نام دارد بجان بخرند ، تلاطمه داران راستین تاریخ و دوستان امین و صدیق مردم و مجاهدان واقعی اعتلاء و ترقی میهن هستند .

آری ، همه کس را تاب این پیکار جان آزار نیست . همه کس در تند پیچ این نبرد که گاه طی آن منظره دگرگون میشود ، شکست ها و عقب نشینیها پیش میاید ، دشمن اسلوب نیرنگ را با اسلوب زور توأمان میسازد ، مشکلات و بفرنجی های درونی نهضت بالا میگیرد ، طاقت آنرا ندارد که در سنگر رزم محکم بایستد ، خون سردی و استواری خود را حفظ کند و عمده و غیر عمده را در مسائل مغالوط سازد و ستاره تابناک اندیشه انقلابی را دمی از نظر فرو نگذارد و مردی صاحب عقیده و آرمان پرست بمعنی واقعی این کلمات باقی بماند . این نیروی است بس طولانی و فرساییده که گاه در پیچ و خم آن منظره آینه بدید نیست ، افق تیره و سنگین است ، نور امید بی رنگ میشود و تردیدها و پستی ها میدان باز میکند و بغیر میبرد که عرصه تاریخ دیگر عرصه بی ترتیب جباران و تاراجگران اجتماعی است . درست در این هنگام است که ایمان به شکست ناپذیری و غلبه نهایی حقیقت ، عشق بی کاش و بی انحراف به عدالت اجتماعی و وفای بی خال به خلق خود ، باور استوار به تحول و ترقی تاریخ میتوانست شخص را بر سر پای نگاه دارد . کم باوران ، آنهاست که هرگز در اعماق روح خویش پیوند خود را با احساس بهیمی امتیاز طلبی و جستجوی زندگی شیرین و آسان و مقام بالا و عنوان پر طمع طواق نگسته اند ، آنهاست که هرگز بمعن آموزش مارکسیسم - لنینیسم پی نبرده و واقعیت تاریخی تکامل سوسیالیسم و نهضت انقلابی را با همه مشکلات آن درک نکرده اند ، در این شرایط دشوار تقاب زرنگار را از چهره بر میدارند و معلوم میشود به آنست که بودند زیرا آنها این راه انقلاب را بر اساس حسابهای خود گذر اشباهی و عوضی برگزیده اند و با مقاصد دیگری در این جاده فهرمانی و ایثار خرد این جاده پر افتخار انسانیت وارد شده اند . تقابهای تزویر را سر بر بی امان حوادث از چهره ها نیکند و پستی ها ، دو دلی ها ، گمراهی های فکری ، بی ایمانی ها ، حسابگرها ، پستی ها و سر انجام خیانت ها را آشکار میکند .

نهضت توده بیش از سی سال است در زیر ضربات سهمگین امپریالیسم و ارتجاع استادگی میکنند ولی در این میانه رفیقان نیمه راه دم نبوده اند که نتوانسته اند و یا نتوانسته اند در این مسیر پر فراز و نشیب ، دشواریها را تا آخر خط تحمل کنند . رژیم و دستگاههای ایلیسی پلیسی آن توانستند بر روح و منطق متزلزل این افراد غلبه کنند و آنها را بسوی سرباهای بهشت آریا مهربی ، بکشاند و این اشخاص که بخشی از زندگی خود را زمانی در جاده مبارزه گذرانده اند در این معامله با ابلیس سرانجام مقبوند زیرا با فروختن روح خود به ضحاکان زمانه ، خود را خواه نا خواه در صف به خائن خلق در آورده اند .

مناطق علین این اشخاص پس از تسلیم و خیانت معمولاً چنین است که با پیش کشیدن نتانسی کار ها یا افراد ، که وجود آنها طبیعی و ناگزیر است میخواهند عمل خود را نه یکارتداد و رویگردانی از انقلاب برای نیل منافع شخصی ، بلکه یک نوع «جهاد اخلاقی» جاوه گر سازند . این سفسطه ها در خورد خنده است و تجربه نشان داده است که طی زمان قادر به کوچکترین تأثیری نیست . ادامه مبارزه در شرایط مهاجرت سیاسی که کسانی ممکن است آنرا به آب خنک خورن ، تغییر کنند شکلی است از مبارزه انقلابی با همه بسیار گونگی و فراز و نشیب ها و دشواریهای آن ، ادامه مبارزه در این شرایط ، بویژه در این موقع که رژیم خشن استبدادی و پالیسی در کشور ما مسلط است ، خدمتی است به نهضت ، برای افشاء دسایس امپریالیسم و ارتجاع برای نشان دادن راه نبرد به توده ها ، برای روشن نگاهداشتن چیراغ و اجاق نهضت . در اینجا نیز بسبب عینان دو دل و بیبمان شکنان بی باور بخلاق ، فرسوده و بی تاب از طول راه و دشواری های گوناگون آن ، به لجن زار دشمن طبقاتی میگریزند و مانند عنایت اله رضا ، حسین جزنی ، عبدالرضا آذر ، محمد زمان پهلوان و عناصر دیگری از این زمره با خفت در آستان شاه مستبد ایران این ساخته دست امپریالیسم و سازمانهای جاسوسی او ، این دشمن شماره یک خلق زانو به زمین میزنند ، سر اطاعت و چابکدوسی فرود می آورند و سپس برای این نوع عمل که همیشه در تاریخ مورد لعنت و تهنیت عمومی بوده است ، میکوشند تا با دشنام گوینها و بهتان پراکنیها و واژگون سازیها و مهره بازی با فاکتوهای واقعی یا موهوم ، توجیه و تعالیل بپوشانند ، ولی از بد بختی این اشخاص هیچ تلافی از این نوع قمار نیست واقعیت زشتی را که خیانت نام دارد بپوشانند . خیانت و بیعت شکنی حادثه امروزی نیست ، عالی رتبه همه خیانتها و بیعت شکنی ها

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

جمهوری دموکراتیک آلمان که بنشنا گسستن جامه کشور های سوسیالیستی است ، در اتحاد استوار با کشور اتحاد شوروی برای تحکیم صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه میکنند .

راهی که جمهوری دموکراتیک آلمان پیروده و تجارب و نتایجی که طی این راه بدست آورده است ، با روشنی تمام نشان میدهد که چگونگی مناسبات با اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی نظمی ترین نمک وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و انترنا سینیالیسم پرولتریست . جمهوری دموکراتیک آلمان در تمام مراحل تکامل حیات پر افتخار خود به این راه وفادار بوده است .

ما با خرسندی تمام نظر اعتبار بین المللی روز افزون و شناسائی جمهوری دموکراتیک آلمان از جانب تمام ملل جهان هستیم . امروز اکثریت قریب بتمام کشور های جهان ، با جمهوری دموکراتیک آلمان روابط سیاسی برقرار کرده اند و این جمهوری بمنوای یک عضو برابر حقوق در سازمان ملل متحد شرکت دارد . جمهوری دموکراتیک آلمان ، وفادار به پرچم انترناسیونالیسم پرولتری ، از همان آغاز تأسیس خود پیوسته هادار خلق هائی بوده است که در راه آزادی ملی ، استقلال سیاسی و اقتصادی ، علیه ارتجاع داخلی ، امپریالیسم ، استعمار کهنه و نو ، علیه فاشیسم و نژاد پرستی مبارزه میکنند .

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و دولت جمهوری دموکراتیک آلمان میتوانند امروز با سرفرازی تمام بیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری خود را جشن بگیرند .

رقعی عزیز ، در روز چهشته بیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان کامیابیهای هر چه بیشتر شما را در ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته ، در پیکار به خاطر صلح ، امنیت بین المللی و در راه پیروزی آرمان های انقلابی مشترکمان ، صمیمانه آرزومندیم .

با درود سوسیالیستی - کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول - ایرج اسکندری

دنباله از صفحه ۱

واقعیات ، دعاوی شاه و تبلیغات رژیم

نشانه های طبقاتی شدن را درخود می پروراند و طبقه بندی از نظر درآمد باعث بوجود آمدن سه منطقه در تهران شده است . از شمال جنوب این تقسیم بندی شامل منطقه اول ، درآمد زیاد ، تحصیلات بالا و روابط اجتماعی گسترده ، منطقه دوم ، درآمد متوسط ، با تحصیلات متوسط ، روابط اجتماعی نیم گسترده ، منطقه سوم ، درآمد کم ، تحصیلات کم و روابط اجتماعی کم دیده میشود . این طبقه بندی بزیان طبقه کم درآمد و در جهت دوام حالت طبقاتی تهران است بگذریم از اینکه در گزارش بفاط سطح بالای تحصیلات ، ویژه خانواده های ثروتمند نشان داده شده است ، در حالیکه اکثریت آنها بیسوادانی بیش نیستند ، بااین وجود از گزارش روشنی میتوان دریافت که بر خلاف دعوی شاه در باره محو امتیازات طبقاتی ، اختلاف طبقاتی در جامعه ما بیشترین وجهی فزونی میگردد و خانوادههای مستمند ، کم درآمد بکنگاه فقر خود ، روز بروز بیشتر بجنوب شهر تهران که فاقد همه وسایل رفاه است واز نظر توزیع خدمات ، یعنی خانه بهداشتی و مدرسه و کودکستان و بیمارستان در وضع بسیار نا مطلوبی قرار دارد ، رانده میشوند ، اینها در خانه هائی زندگی میکنند که بنا بگزارش گروه ۷۵ در صد آن یک اطاقه است و در هر هکتار از این محله های کثیف ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر زن و مرد کورک در هم میولند ، اما در واحد های مسکونی شمال شهر اقلیت مرفه و ممتاز ودر رأس آنها خانواده سلطنتی ، در باغهای افسانه ای خود فصل به فصل جابجا میشوند . تلبستان رادر ویلاهای مجلل کنار دریای خزر واز آنهم فراتر در ویلاهای شخصی خود در فرانسه و سوئیس و اسپانیا و کالیفرنیا بسر میبرند و «خستگی» یکسال غارت وچاپاول دسترنج مردم را از تن میگیرند

وسر زنده وتازه نفس برای ادامه غارتگری باز میگردند . این منظره زشت و موحش ، این دو قطب فقر و ثروت و از آن پایتخت است ، و فراتر از آن ، تا هر چه دورتر رژیم منظره زشت تر و موحش تر و تفاوت طبقاتی فاحش تر . آن دهقان زحمتکش روستاهای دور افتاده حتی همین در آمد ماهانه سیمد تومانی را هم ندارد و در کلیه کلی اش با زن و بچه و مرغ و خروس و گوسفند یکجکا سر به بالین میکنند . نه آب آشامیدنی سار و نه دارو و بیمهستان و این در کشور ماست که سالانه ۲۲ میلیارد دلار درآمد نفت دارد . ولی از این ثروت و غنای هنگفت زحمتکش کشور را سهمی نیست ، زیرا حصه آنها را ، رهبر انقلاب ، در راه حفظ سلطنت تکبیبار خود ، یا اساعه میخورد و یا با امپریالیسم وام میدهد و آنچه باقی میماند بطور عمدت صرف تجمل زندگی دربار او و هزار فامیل غارتگر میشود . اما این وضع قابل دوام نیست . مردم زحمتکش میهن ما در برابر این بیعدالتیهای فاحش دم فرو نخواهند بست و لعاب تبلیغات دروغین رژیم آنها را نخواهد فریفت . مبارزه مردم علیه جباران و مستمگران بدون تردید روزی به ثمر خواهد نشست و شیرینی بی بند وباریهای امروز را در کلمشان زهر خواهد کرد .

دنباله از صفحه ۱

غرفه مردم در جشن اومانیه

دکتر ارانی و روزبه در دو طرف آن ، عکس تیزابی ، معصوم زاده ، رزی و بالاخره عکس رفیق شهید مساکمت چو در اطراف آن قرار داشت . در گوشه ای از دیوار طرحی الصاق شده بود که در آن خورشید از پس ابر های سیاه خود نمائی میکرد و بر روی آن نوشته شده بود که «خورشید آزادی بر تیرگی پیروز خواهد شد»

در بخش دیگر از غرفه طرحی از تاج شاهی ایران قرار داشت که برای فرانسویان جالب بود . آدمهای حزب همیزان زیادی در دسترس بازدید کنندگان بخصوص جوانان قرار گرفت .

در تمام دوران دو روزه جشن ، وضع زندانیان سیاسی و ترور و اختناق از پشت باندگو بگوش مردم رسانده شد و دهها هزار نفر بازدید کننده اطلاع بیشتری از وضع ایران پیدا کردند . ۵۰۰۰۰ نفر زیر نامه اعتراضیه را امضاء نمودند و همین پیکره بخوبی نشان میدهد که تا چه اندازه کار سیاسی غرفه مردم فربخش بوده است .

کاروان پر مهلت انقلاب خلق بر مشکلات غلبه کرده ، راه خود را بهتر شناخته و به پیش رفته و سلطنت های مستبد و رژیمهای ضد ملی و ضد دموکراتیک را از سر راه رفته و تسلیم شدگان به این رژیمها و چاکران نو و کهن آنرا به مزبله ریخته است . جنبش با این نوع تضمینیه با تصحیف نمیشود بلکه نیروی معنوی بیشتری کسب میکند . افتخار بر کسانی که منطق انقلابی را در آشفته تربت شرایط و روح پایداری را در دشوار تربت لحظات حفظ میکنند و به آرمان خلق تا آخرین دم وفا دارند .

اطلاعه

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اخراج

عبدالرضا آذر بمناسبت تسلیم بدشمن و خیانت به حزب توده ایران و جنبش دموکراتیک مردم ایران از حزب توده ایران اخراج میشود .
نصرت اله جهانشاهلو بمناسبت تسلیم بدشمن از حزب توده ایران اخراج میشود .